

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و برزنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

عبدالجلیل جمیلی

۲ آگست ۲۰۱۰

کجا کاری کند عاقل ؛ که بار آرد پشیمانی !

درین ایامی که سر و صداها و فریادهای جگر سوز ملت افغان و خون های به ناحق ریخته شان دامن قصابان درنده خورا در ملای عام گرفته و به مصداق اینکه (عد و شود سبب خیر اگر خدا خواهد!) فرزندان خود ؛ ولی با درد تر خودشان چلو صاف اعمال شوم و اسناد بیشتر از ۹۱۰۰۰ نسخه شان را در سایت ویکی لیکس به رخ شان کشیده و به دسترس مؤسسات نشراتی هفته نامه معروف المانی (شپیگل) و روزنامه انگلیسی (گاردین) و روزنامه (نیویارک تایمز) قرار داده است - دیگ پنتاگون نیز به جوش آمده و با خروش شرم آوری این امر را افشاء گرنی ضد منافع و امنیت خودی قلم داد کرده اند که لاس انجلس تایمز پُر تیراژ نیز به آن چنین اشاره میکند (این عمل میتواند جان امریکائی ها و شریکان ایالات متحده را به خطر بیندازد و امنیت ملی امریکا را تهدید کند !)

در عین حال، جیمز جونز مشاور امنیت ملی دولت آغای اوباما گفته است: که ایالات متحده پخش و افشاء این اسناد محرمانه را به شدت محکوم می کند و علاوه میدارد: امکان دارد این اقدام زندگی امریکائی ها و شرکای این کشور و همچنان امنیت ملی آنها را با خطر روبرو سازد. به گفته آقای جونز، ویکی لیکس در مورد این اسناد هیچگونه تماسی با مقامات نگرفته است و ایالات متحده از طریق رسانه های خبری آگاهی یافت که این اسناد نشر شده است !! ولی جولیان آسانچ مدیر سایت ویکی لیکس میگوید که قبل از نشر این اسناد از طریق نیویارک تایمز با مقامات دولت امریکا تماس گرفته که جوابی از آنها نگرفته و بدین لحاظ به زودی تمام اسناد را به نشر می سپارد در حالیکه رابرت گیبس سخنگوی قصر سفید طی مصاحبه ای با چینل ان بی سی اظهار توقع نموده تا با نشر نمودن تمام اسناد از خون ریزی بیشتر عساکر امریکائی جلوگیری نماید و در عین حال اخبار میرساند که بارک اوباما رئیس جمهور ایالات متحده امریکا هفتمین دور جلسه فوق العاده تیم امنیت ملی خود را با اشتراک ۲۲ مقام بلند پایه ملکی و نظامی به شمول معاون ریاست جمهوری و وزیرای خارجه و دفاع و لیویا نیتا رئیس سی آی ای به روز

۲۹ جولای ۲۰۱۰ دایر و در مورد نشر همین اسناد (تحفه جورج بش ها به ملت سر افگنده امریکا و ملل

مظلوم قربانی شده عراق و افغانستان!) تبادل نظر نموده و عواقب ناگوار آن را تحت غور قرار داده اند چون در همین چند روز محدود؛ دامنه این رسوائی بزرگ و دغل دوستی به هر طرف کشیده شده و تفصیل اضافی را بی لزوم می شمارم. مگر هستند نکات قابل توجهی که به نظرم باید بر آنها روشنی انداخته شود تا زوایای تاریکتر و عواقب ناگوار تر آن که در دماغ اصغر این پیش پا بینان دورو؛ نهفته است، زیاد تر و روشن تر بر ملا گردد.

حاکمیت بخشیدن به طالبان محجر و تیروریست پرورده شده دامن دال و چپاتی و مدارس جنرال حمید گل های خود پس مانده خور دسترخوان انگلیس و یا نو به دوران رسیدگان کراچی تا اسلام آباد. غلام زادگان بوکنگهم؛ نه آنهایی اندکه رسن تخیلی غلامی اجنبی را به گردن افغان انگلیس شکن بیندازند؛ بلکه همه اینها آرزهای خامیست که؛ تزویر کنندگان دورنگ بزرگ تافرق سر مسلح و کشور کشایان و ابر قدرتهای استثمار طلب و مغرور؛ به مانند ادوار باطل شده تاریخ به سوی سر زمین گهر بار و گنجینه اسرار افغان و مرکز ثقل همین قاره و سرزمینهای کره خاکی ما کشانده می شوند و ازین که مهد و ماوای ما و موقف جغرافیائی و سوق الجیشی ما و غنای طبیعی دست نخورده ما حسرت افروز دشمنان حریص ماست، نه ما و نسل امروز بلکه نیاکان با صولت ما هم به آن به خوبی آگاه بوده از آن به سر و جان و مال آبرومندانه مواظبت و صیانت کرده اند و اگر هم در گذشته و یا حال؛ فرزندان ناخلف و دون همتی مانند گیاهای هرزه مجاهد نما و جنگسالاران درین مرز و بوم روئیده و خدمت به بیگانگان را بر شیر پاک مادر ترجیح داده اند - نزد پاک طینتان و اهل خرد و با درد همه آن داستان های سخیف و کهنه ایست که داغ عبرت و بی ننگیش را بر جبین خود و بازماندگان سرافگنده؛ گذشته و حال خود دارند که شواهد تاریخی آن صفحات سفید و سیاه تاریخ ما را به خوبی نمایان ساخته و میسازد.

حال با رسیدن به جفنگیات جنرال متقاعد حمید گل - در قدم اول قسمتی از مصاحبه (۲ جون ۲۰۱۰) او را با خانم سوزانه کولبه از مجله معروف اشپیگل المانی با یاوه سرائی هایش در باره افغانستان و سپس شکر ریزی او به رخ ولی نعمت امروزی شان - و به تعقیب آن شاگرز کردن او ازین گفتار و اظهار بی خبری از اعمال ناشایستی با مصاحبه تاریخی ۲۷ جولای ۲۰۱۰ او با رادیوی آزادی صدای امریکا! که چهره کاذب و بیچاره این دلقک بی مقدار را به خوبی تشخیص کرده میتوانید؛ به مصاحبات او میرویم:

اشپیگل: اگر نیروهای بین المللی فردا از افغانستان خارج شوند و طالبان بر گردند، قطعاً خون های زیادی جاری خواهد شد و حامیان دولت کرزی مجازات شده و صدها هزار نفر مجبور به فرار خواهند گردید

حمید گل: من فکر می کنم که این اشتباه نیست که ده هزار نفری از خائنین و همدستان دولت در افغانستان کشته شوند اگر این کار باعث آزادی افغانستان شود چنانکه امریکائی ها نیز صد ها هزار نفر را در عراق کشته اند این خائن ها می توانند با نیروهای امریکا از افغانستان خارج شوند طوری که دولت دست نشانده شوروی سابق و در راس آن داکتر نجیب خائن در سال ۱۹۸۹ با روس ها فرار کرد

اشپیگل: طالبان داکتر نجیب را در یک پایه برق در کابل حلق آویز کردند آیا فکر می کنید این یک صلح است؟

حمید گل: افغان ها در ۵ هزار سال گذشته مشکل خود را همین طور حل نمودند آیا امریکا می تواند در ده سال تغییری در این مورد به وجود بیاورد؟

اشپیگل: غرب چگونه می تواند اطمینان نماید، که طالبان دیگر از تروریسم جهانی و حمایت از القاعده دست بردارند؟

حمید گل: ملا عمر تضمین می کند که دیگر از خاک افغانستان علیه هیچ کشوری عملیات تروریستی و خراب کارانه انجام نشود این طرح می تواند در مذاکرات آشتی بررسی و مورد تأیید قرار گیرد. **اشپیگل:** چه نقشی را همسایگان افغانستان به خصوص عربستان سعودی در روند پروسه صلح خواهند داشت؟

حمید گل: در مذاکرات از همه مهمتر حضور رئیس ارتش پاکستان آقای اشفق پرویز کیانی می باشد پاکستان میخواهد، امریکا از افغانستان خارج شود عربستان سعودی هیچ نقشی را بازی نخواهد کرد حتی اگر آقای کرزی نظر دیگری داشته باشد و چینی ها به نوبه خود در حال حاضر نمی خواهد به این مرداب کشیده شوند ولی در بازسازی افغانستان حتماً نقش حیاتی خواهد داشت.

اشپیگل: امریکا می خواهد حضور نیروهای نظامی خود را در آینده نزدیک کاهش دهد ولی پایگاه نظامی خود را میخواهد در افغانستان حفظ کنند.

حمید گل: امریکائی ها در این جنگ شکست خورده اند و باید از افغانستان خارج شوند طوری که روس ها سرافکنده و شکست خورده از افغانستان خارج شدند **اشپیگل:** چرا یک راه حل مشترک وجود ندارد؟

حمید گل: امریکائی ها به افغانستان نیامده اند که به زنان آزادی بدهند و یا دموکراسی بیاورند آنها برای منافع نظامی و اقتصادی خود به این کشور آمده اند و حتی متحدان خود را نیز فریب داده اند حالا المانی ها نیز مورد حمله قرار گرفته اند چون آنها هم بخشی از ناتو میباشند در صورتیکه آنها دوستان سنتی مردم افغانستان بوده و هیچ منافی ندارند

اشپیگل: اتحاد جماهیر شوروی به عنوان ابر قدرت پس از خروج از افغانستان به زودی پایان یافت چقدر وقت لازم دارد که امریکا خود را ابر قدرت ببیند؟

حمید گل: قدرتهای فوق العاده بزرگ آرام میمیرند ایالات متحد امریکا ۵۰ سال وقت دارد سپس دیگران جایش را بگیرد

ولی همین حمید گل رئیس سابق آی.اس.آی و یکی از بنیاد گذاران اصلی طالبان دیروز که بی موجب در هر ته نشین قدحی چهره مغضوب خود را منعکس میکند!- با بیرون افتادن تشت رسوائی قصر سفید و پاکستان جمبوری آن؛ فوراً سر از پا نشناخته باز اظهار وجود کرده و به گوش رادیوی آزادی صدای امریکا می سراید که - من این اتهامات را تقبیح میکنم و هرگونه روابط این اداره (آی.اس.آی) را با طالبان و شبکه القاعده رد می کنم گرچه مجله اشپیگل اشاره میکند که نام هیچ کس بیشتر از حمید گل تکرار نشده و دیگر داستانهای دنباله دار او از کمک منظم مالی تسلیحاتی به طالبان و حتی تقویه عملی عملیات تخریبی ضد همکاران ملل متحد در راه جلال آباد- کابل تا تحویل دادن ۶۵ کامیون حامل

مرمی های چینیایی به طالبان و یا همکاری و معاونت مستقیم با القاعده و حقانی و غیره و غیره که سخن مارا بدرازا میکشاند ولی این چهره پلید به نام مسلمان گفته است که: این اسناد بی معنی؛ شوخی؛ غلط و احمقانه هستند و من واژه به واژه آن ها را تکذیب می کنم و نقشی که برای من (خودش) ترسیم شده تخیلی است !!!

و در اخیر این دیده در آئی بی حرمت افشای این اسناد محرمانه را به سی آی ای و سرویسهای مخفی افغانستان و هند نسبت داده و ادعا میکند که ادارات استخباراتی میخوانند نقش پاکستان را در منطقه کوچک سازند.

حال شما قضاوت نمائید که در آن پاکستانی که به قرار گفته خودش بایدجنرال اشفق کیانی بر سر نوشت و آینده منطقه و افغانستان رقیمی بزند - خود این متقاعد دائم الخمر مگس هر دیگ چه کاره است که در همچو مسایل و باز بر سر نوشت افغان و افغانیت و کشور مستقلی؛ که صد ها سال بر اجداش در پنجاب و نیم قاره هند حکم روائی کرده تبصره نماید که با ترس و رعب از افغانیت؛ **مادر بیچاره اش پتان آگیا گفته او را در تمام دوران طفولیتش از جر زدن و فغان و فریاد زدن؛ به خموشی مجبور ساخته است!**

((قابل یاد آوری و بجاست که یادی از سال ۱۹۶۲ و ایام اقتدار خروشچف و روزهای بنمایم که بنابر ضرورتی سفیر کبیر افغانستان در مسکو را به کابل خواستند و من من حیث سکرتر دوم، شارژدافر سفارتکبرا در دعوت انقلاب اکتوبر در قصر کانگره مسکو دعوت شده بودم - خروشچف که با قدح های پیهم و بزرگداشت انقلاب؛؛ خود را سر مست ساخته بود! ۱۷ مرتبه به پا استاده و بر سفیر امریکا صدا میزد که به قصر سفید بگو که هیچ قدرتی در دنیا جلو کشتیهای شوروی را برای رسانیدن کمک نظامی به رفیق فیدل (کیوبا) گرفته نمیتواند. و سخن هم ازین قرار بود که دولت شوروی میخواست پایگاه هسته ای اتمی خود را در هاوانا استقرار بخشد - تهدید حیاتی برای جان اف کندی و دولت امریکا که به فردای آن همان ابلاغیه و بیانیه تاریخی کندی بود که اگر تا ۲۴ ساعت کشتی های شوروی به مقصد بازگشت به روسیه شاگرد نکند قوای نظامی امریکا بر آن حمله مینماید و کاری نکنند که ما مجبوراً با یک حمله باسقینی (غیر مترقب) جزیره کیوبا را از نقشه زمین برداریم و بالاخره همان خروشچف لافوک امر بازگشت کشتیهای خود را داده و نامش را حمایه از زیست با همی (کشمش!) ماند که اگر خروشچف هنوز هم اهل قدرت و صاحب مقام بود و قرگفت - جنرال صاحب دال خور (نه سر پیاز و نه دم پیاز و نه متوسط پیاز) را چه کار که در هر صبح و مساء سر از مرغانچه کشیده آذان بی وقت داده و اظهار وجود می کند هم مانند قلدر بازی های امام خمینی در مقابل صدام! و با چشم همه سخنش بجائی رسید که شکست و تسلیمش را در آن جنگ با سر کشیدن جام زهری تشبیه بکند!

و حال که سخن از ایران آمد و جبهه گیری اش در برابر زور مندان و تحریم های اقتصادی و تجارتي - چنانچه بی بی سی مورخ ۲۷ جولای اشاره میکند نظریه پردازان ایرانی را قرار برین است که با لزوم درس گرفتن از سر نوشت عراق و دولت صدام و با در نظر داشت روش و تخلفات و یا بد قولی های دولت امریکا در برابر او محک مناسبی برای ره یابی و حلال مشکلات خواهد بود تا تسلیم شدن به تحریمات و سر نهادن به تضامیم شورای امنیتی که باز هم بر بازی کن اصلی اش که دولت امریکا و قویترین حامی دولت اسرائیل و دشمن ایران است تکیه کرده و سر نوشت خود را مانند صدام به امریکا (یعنی اسرائیل) سپردن خطای بزرگ خواهد بود. زیرا در آغاز؛ صدام را نیز به همین رشته بستند که آمادگی برای ساختن سلاح نرووی دارد

وقتیکه او به تفتیش جهانی در آن مورد تن داد و نتیجه هم صفر - او را به اتهام تولید سلاح گشتار دسته جمعی محاکمه و به قتل رساندند که بعد ها این تهمت هم تهمتی بیش نبوده و هدف جناب جورج بوش - به هر صورت از بین بردن او بود و یافتن جای پای نظامی بادارانه در منطقه و چوشیدن لب و لباب شیرۀ منطقه و مهمتر از همه خیر خوش مصونیت به تل ابیب ! .

دوستان ارجمند از نوشتن این مثال هدفم دادن هیچ نوع کریدیتی به امام زمان و احمد نژادی نیست که به نام؛ اسلام اند ولی از ایمان و وجدان اسلامی به کلی بی بهره ! و از تاریخ با صفای اسلام هم پند نمیگیرند . توجه نماید که خود به شخصیت حضرت سلمان فارسی (رض الله عنه) که من حیث برده ، با پرداخت پول دو چند از طرف و از دارائی شخصی حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه ؛ بنا بر موقف گیری ابوجهلیان در برابر اسلام ؛ خریداری شده و بحیث یک انسان آزاد و نه غلام در اسلام عرض وجود کردند و چه ماهیت و موقف اسلامی که برایش قایل شده و حتی در آخرین روزهای قبل از رحلت، پیغمبر با صفای اسلام صلی الله علیه و سلم بر حضرت بلال حبشی و حضرت سلمان فارس مهاجر؛ نداء کردند که شما در روز محشر در جمله اهل و بیت خودم و با من محشور می شوید ولی خود بنگرید که کتافات باز مانده آن فارسیان پاک طینت ؛ با به آغوش کشید نهایی جناب کرزی با ملحوظات ما ! در حق مهاجرین جوان وبی پناه افغان چه بربریت و قتل و اعدامهای دسته جمعی را به راه انداخته و سر "موژاخدین" صراف مارا هم



به خاک ذلت و خموشی مالیدند و درین اواخری که رسوائی ابر قدرت جهان سر به آسمان میزند **گاردین** نیز در مورد ایران عزیز ما! - به رویت همان اسناد بی شمار افشاء شده می نویسد که در عملیات محرمانه در داخل افغانستان ؛ به رویت اسناد استخباراتی اردوی امریکا - ایران در قسمت تسلیح ؛ تعلیم ؛ و تمویل شورشیان طالب و جنگسالاران افغان . وابسته به القاعده و عملیات انتحاری دخیل بوده است بی بی سی هم میافزاید که رژیم خمینی بقای خود را در سر تنبگی و تن ندادن به رشته دار دولت امریکای دیموکرات که خود در لجن زار بیش از ۹۱۰۰۰ جنایت مستند و سوء استفاده از خوش باوری دولت افغان ؛ غرق است ممکن است تا آخرین دم حاضر نخواهد شد که نفس به عزرائیل امریکای ؛ حامی اسرائیل بدهد ! پس مرادم ازین مثال نه کریدیت دادن به جلادان امام زمان آلوده به زنا و لواطت و قتل عام است بلکه حرکت بد از بدتر ایران در مقابل اعمال غیر قابل اعتماد و دور از انسانیت یک ابرقدرت است که از یکطرف با جادادن خانه جهان بشر صلح دوست (یعنی مؤسسه ملل متحد) در سر زمین خود ؛ می بالد و خود را علم بردار حقوق بشر می خواند و از طرفی از بدعت عمل و شرارت نفسانی و قتل و غارت نسل انسانی بردست خون آلود هلاکو و هتلر و خمر سرخ آب طهارت ریخته احمد نژادی را زبان گویا می بخشد

و این روش را نباید نمونه‌ای در تاریخ؛ بلکه تکرار مکررات در تاریخ همین وطن مصیبت زده ما به حساب آورد مگر با تجاوز و جنگ دوم افغان - انگلیس و جنایت و فریب کاری مزورانه و امید وار نگهدارانه جنرال کماروف روس در وعده دادنهای میان تھی به مرحوم امیر شیر علی تا آخرین رمق حیاتش در مزار شریف (۱۸۷۹ م) - و یا وعده های دروغین انگلیس به امیر محمد یعقوب خان - تا امضای قرار داد تحمیلی گند مک بر او (۱۸۸۰ م) و سپس انتقال وی با فامیلش به راولپندی و نظر بند تا مرگ و یا باز بزرگترین جنایت تاریخی روسیه شوروی به مقابل شهید محمد داوود خان و سقوط دولت اسلامی افغانستان و تعویض به غلام زاده های روسی - و قتل عام ملیونی ملت نجیب افغان با یاد آوری از نوکر های اجیر پشاور و مشهدی سو گند خورده در خانه خدا؛ ولی باز هم جنگ و جنایات مکرر و تا امروز با تاپه اسلامی همه آن صفحه و سند پست که مرور زمان و دست های پلید افغان نماها آن را محو کرده نمیتواند و امروز هم این سیه روزیهای پذیرفته شده بر سر نوشت ملت بینوای افغان هم اساساً به دست همان دشمن دیرین افغان انگلیس شکن و ساز و سامان دهنده کثافتستا نیست (به نام پاک ستان) که لیدران امریکای حریص را در لجن زار بربریت و کشور کشائی میکشاند و اگر وجدان است و پذیرفتن مسؤولیت؛ امروز جای آن است که جنایتکاران جنگی و توطنه گران خود را نیز به پای محاکمه و به استنطاق واقعاً بشر دوستانه انسانی در مورد قتل های عام دسته جمعی و ملی مردم بیگناه عراق و افغانستان و تصفیه همین ۹۱۰۰۰ سند کشانیده، لکه دار شدن بيموجب دولت امروزی ایالات متحده امریکا را با موقف و شخصیت پاک سرشتان و تاریخ مردم امریکا نجات دهند.

حال قبل از اینکه به طرف گرفتن نتیجه ازین متون و تبصره های نهائی بر آن برویم بر متن مقاله نوشته شده به قلم زیگنِف بریژنسکی (یهودی پولندی الاصل عقده دار فرار کرده از بوخنوال نازیها) خود جلاّد و جلاّدزاده قرن ۲۰ و ۲۱ که بر بنیاد اعمال شیطنت و شرارت به او لقب ((بارو متر سیاست خارجی امریکا)) را می دهند می رویم او که یکی از چند چهره اصلی پالیسی میکر این کشور به حساب می رود و در دور ریاست جمهوری کارتر مشاور امنیت ملی وی بوده و همین شخص است که چهره جهاد افغانستان را با اجیر نگهداری صرافان جهاد نمای پشاور نشین با مرهم داری ضیاء الحق؛ رنگ بردگی داد تا به نتایج



فلاکت بار امروزی رسید و همین چهره انسان نماست که با ختم و طرد قوای متجاوز شوروی از افغانستان عملاً اظهار داشت که او محرک اصلی جلب قناعت و تحریک دولت بریژ نیف ملعون برای تجاوز به افغانستان بوده است و چون مطالعه تاریخ افغانستان به او این قناعت و الهام را داده بود که در اخیر نتیجه تجاوز و مقاومت ملی مردم آزادی دوست افغانستان با طرد قوای شوروی و تحمیل خسارات تجاوز و سپس شستن نام شوروی از صفحه تاریخ جهان فرصتی خواهد بود و شد که دولت شوروی قیمت باخت امریکا در حمله به ویتنام را بپردازد و عملاً پرداخت - و اینکه ملت و سر زمین افغان به چه ماتم سرانی مبدل شده

و یک‌عهده مکروبهای ضد انسانیت و اسلامیت را در راه به کلی خرابتر شدن و حتی نظریه تجزیه اش میکشاند یکی هم اوست که حال کاذب ترین نظرش را در مورد آینده مردم افغانستان و طرق و موجبات تجزیه آن ابراز میدارد. و این هم نظر این لکه ننگ راستی و انسانیت !!

تاریخ آغاز رژیم سوسیالیستی روسیه هم که با بلعیدن اطراف و اکنافش اسم اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی را برای مدت زمانی به خود گرفته بود در پهلوی لنین و ستالین و حواریو نش همچو چهره یهودی پولندی الاصلی را بنام درژنسکی (به وزن بریژنسکی) نشان میدهد که از جلاخان عصر و سر دسته اشرا و قاتلان ملت روس در آن زمان و اساساً بنیاد گذار **چکیست ها و سیستم چکیستی** بوده است و همه این رمة جلاخان وحشی و درنده تریبه شده درژنسکی قاتلان بی رحم حرفه ئی بوده اند که فقط منتظر تدارک لیست رفتنی ها از قید حیات مخصوصاً شبانه و ورکش شده به منازل بینوایان بی خبر از جهان میریختند و نه تنها شخص مورد نظر و بلکه تمام اهل بیت و کبیر و صغیرش را از تیغ کشیده - اجساد شان را هم در کوره های ذوب آهن و فولاد و کوره های ذغال سنگ برای ابد سر به نیست میکردند و همین عمل هم یگانه راهی بود که آن نظم دولت کارگری بر نعش ذوب شده طبقه کارگر راستین ملیونی تهداب گذاری شد من یقین دارم که این چشم های درنده گرگ مانند بی رحم با تقرب کامل اسمی و زادگاهی (درژنسکی و بریژنسکی هر دو یهود پولندی) - یکی از باز ماندگان همان جلاخان دوران بولشویکی میباشد که حتی با نفرت و انزجار ملی - بعد فروپاشی شوروی مجسمه بزرگ او را حلق آویز کرده و میدانی بزرگ مرکزی را که به نام او (درژنسکی) یاد میکردند بنام لویلیانکه مسما ساختند

تمام نوشته دو صفحه ای مشرح این پولندی یهودی الاصل قصی القلب بی ادراک و به سایقه فطرتش در دو صفحه مکمل مشرح (به اساس حدیث مبارک - 'کُلُّ شئ یرجعُ الاصلیه') و با ضرب المثل خود روسها که سبب از درخت خود دورتر نمی افتد - فقط در یک سایت فارسی رومسکو با تبصره اندری سیرینکو فعال کار شناس مرکز مطالعات افغانستان معاصر در مسکو (سابق یکی از مسشاران ورزیده دری فهم فعال سفارت شوروی وقت در کابل) به نشر سپرده شده است و این سایتیست که تحت سایه تواریشان (دوسکه ای افغان روس) دیروز و دیموکرات شدگان امروز؛ برای بیشتر از یکصد هزار افغان مقیم روسیه (تابع شدگان و هم نوای شان و یا هنوز مهاجر و بی گناه !!) مینوازد که قبلاً و بعد از ۷ ثور ۱۳۵۷ می نواخت ولی یقیناً ریتم آن گوش خوب شنوا و حواس رسا و چشم بینا به کار دارد نه مجاهد و جنگ نوازان ما که در چرت و همکاری قلبی دولت در مانده در خود و ملت شکسته بنیاد ما نیستند آغای بریژنسکی عقیده دارد که زمینه اصل مداخله از بیرون (که مرامش قوای امریکاست) را در قدم اول و بالاتر از معضله افغانستان - راه حل معضله دولت فلسطین و منازعه فلسطین و اسرائیل در منطقه تشکیل میدهد که به نظر او با جلب نظر اتحادیه اروپا و ۹۵٪ حمایت مستقیم مردم جهان از (نظریه ایشان!) این موضوع بزرگ جهانی با پیروی از ۴ شرط پیشنهادی جناب شان! راه حل پیدا نماید:

۱- فلسطینیان باید از حق باز گشت (مقصد شان از سر زمینهای آبائی فلسطینی هاست!) صرف نظر کنند مثلی که المانها دیگر به گدانسک (فعال جز و خاک پولند!) برگشته نتوانستند (ولی این آغا از بلعیدن شهر برست خاک پولند و جزایر کو ریل ملکیت جاپان توسط شوروی یادی نمی کنند!!)

۲- اسرائیلیان باید درک کنند که صلح و تفاهم پایدار وجود نخواهد داشت اگر پایتخت دولت فلسطین در بیت المقدس شرقی وجود نداشته باشد.

۳- تبادل زمین ضروریست تا سرحد در مطابقت با آبدیهای یهودی نشین تعیین گردد (این است حاتم و حکم آن؟)

۴- عنصر چهارمی که موقف اساسی و اولی را دارا میباشد تا در بر آورده شدن ۳ شرط اولی کمک نماید و آن این که "تعیین سرحدات سر زمینهای فلسطین و استقرار نیروهای امریکا و ناتو در کنار غربی رود اردن" میباشد که البته امریکا و ناتو برای تحقق آن باید همه پروژه های نظامی و سیاسی سنگین و ؛ قبل از همه عمده ترین آنها - به ما موریت در افغانستان را خاتمه ببخشند؟!؟! و به صورت خلاصه عرض شود که :

به اساس پیشنهاد این مایه فساد بی وطن (مندرجه ۲ پاراگراف اخیر او چنین است :

اگر امریکا با دوام جنگ به پیروزی دست نیابد موفقیت خود را در پروژه نو شرق نزدیک جامعه اتلانتیک شروع کند و مدل نوی را که به جنگ خاتمه بخشد پیش کند - با پیروزی بر طالبان و پیشبرد مذاکرات با جناح میانه رو و ایجاد سیستم کلکتیفی افغان - پاکستانی کنترل بر (خط دیورند) . (یعنی افغانستان بای بای و چه وقیحانه) و نهایتاً هدف این گزینه ها - آزاد سازی منابع امریکا و ناتو برای پروژه مشترک شرق نزدیک اتلانتیک میباشد که با پایداری داخلی ناتو (رفع تزلزل ترکیه) مطابق طرحهای او ؛ اوضاع فلسطین- اسرائیل را ثبات بخشیدن است که تاثیرات مستقیم دائمی بر ساختار داخلی سیاسی ابالات متحده امریکا به جامی گذارد .

با بد به این وطن فروش امریکانی شعار؟! گفت که با این مغز پوسیده و دهن کثیف نامی از تجزیه سرزمینی مبر! که هزاران سال قبل از اثر قدوم امرکوویسپکچی و کلومبوس درین سر زمین پنجصد پدرة شیرخانه و به خود مغرور؛ علم برج و باره بخدی و نام بزرگ امپراتوری آرپانی و علم و دانش کابل و هری؛ جمع اروپای دیروز را میلرزاند . این پوسیده سال گم کرده راه با بد بفهمد که افغان ضرب المثلی دارد!

دوستی میکنی از زر مترس و دشمنی میکنی از سر مترس!

به هر حال با تقدیم مراتب مختصر فوق ، خلاصه مطالب و باز هم رسیدگی لازم به این امر حیاتی و سر نوشت ساز را چنین ارائه میدارم .

۱- ازینکه چون به بازی بازی حال سخن به نظر قاضی فرومایه بی وطنی رسیده و دولت ملحوظاتی خود نگهدار افغان هم بقای خود را در عملی کردن تصمیمات دغل دوستانش متمرکز کرده و اقدام بزرگ شان را ؛ فقط تعیین هیأت و مطالعه احوال تشکیل داده و جناب سپنتای پالیسی میکر دیروز و امنیت یاور امروز اظهار خواه شینی [نگرانی] فرموده و گفته اند :

الله چقدر بد ؛ ! آخر پنهان کاری در جنگ مشترک که صحیح نیست !!!!! بلی سپنتا صاحب دفاع از بود و نبود وطن مردی به کار دارد نه اشک ریزی و تضرع و نه تبصره علمی !!!!!

۲- با تجربه و شناختی که از شیادان دیروز داریم و حال در برابر قوای ۴۰ کره مادیان - آزموده ها را آزمودن خطاست و اطاعت و اعتماد بر ایشان نارواست ! و گناهی خواهد بود که سر نوشت افغانستان عزیز خود را به دست و تصمیم بریژنسکی شریب بی وطنی نواده درژنسکی جلاد دوران درو ملت روس بگذاریم که خود فرار کرده از زیر تیغ هتلریزم عقده کشائی اش را در افغانستان بیازماید !

۳- باید با کشور و کشور های علمبردار آزادی و حقوق بشریکه این رسوائی های شان با سوء استفاده از اعتماد ملت و دولت افغانستان بر ملا شده است - مطالب و مقاصد آزادی خواهانه و ملی گرایانه ملت قربانی

داده و حق تلف شده خود را چنان به صراحت و صداقت و علنیت با حفظ حریت و تمامیت ارضی افغانستان عزیز ما باروشنی کامل مطرح سازیم که گنجایش سخنی برای اهریمنان و همسایه های غدار ما باقی نماند.

۴- این خود یکی از مواردیست که باید بدون ضیاع وقت داستانش به شورای امنیت مؤسسه ملل متحد ارجاع و با ارائه اسنادیکه گواه به کار ندارد - پای ناپاکان و زبان شیرینی مانند بریژنسکی ها از بیخ و بن قطع شده و اعمال و نا به کاریهای همسایه های بی لگام ما نیز - لگام زده شود.

۵- بدون تردید از دولت او باما خواسته شود که بدون ریا و غضب های تصنعی رسماً :
(توطئه گرانی را که درین جنایت قصدی سوءاستفاده از اعتماد دولت و ملت افغان دست دارند افشاء کرده و به نام انسانیت به محاکمه بکشاند تا در آینده حدود صلاحیت و پاس انسانیت را مرعات کرده بتواند)

۶- اگر از بریژنسکی و یا بارو متر سیاست خارجی امریکا پرسیده شود که آیا در پهلوی این پیشنهاد بشر دوستانه تان به نفع یهود؛ با توجه به حال مردم الاسکا و هاوایی که در سال ۱۹۵۹ به حیث ایالات ۴۹ و ۵۰ اضلاع متحده امریکا قید شده اند و همچنان اریزونا و نیو مکسیکو در سال ۱۹۱۲ - برای تجرید و یا آزادی دوباره شان به دولت رزق رسان تان پیشنهادی کرده میتوانید ؟ جوابش نه بوده و خوب میدانند که تکرار بر همان خاکتوده بوخنوال پرتاب میشود ! پس او و وقعی کجاست که بی موجب پا و پاچه افغانستان امتحان داده را میگیرد !

۷- جناب کرزی ! از خود تصمیم گرفتتهای تان ؛ تا اپوزیسیون و جهاد و جنگ سالار نوازیها و فساد پروریها و انواع مصائب ؛ ملت افغان و حامیان جهانی تان به بینی رسیده اند و شاکی ! و حال مرحله پاکتی و درایت و کاردانی و خدمتگار نوازشیست و خوب دشمن در روی ؛ پس به پاس مردم غرقه در خون افغان و با ترس از عقوبت یزدان ؛ بسم الله کرده دست به کار شوید ورنه دیگران دست به کار خواهند شد و خدا نا خواسته شما پشیمان ! دوستان محترم برای مزید معلومات به منابع ذیل مراجعه فرمایند

voanews.com/dari/news. / bbc.co.uk/Persian/Afghanistan

dwelle.de/Persian/ Farsi.Ru

Afghanpaper.com